

آخرین روزنامه‌ها

از نیروهای مسلح تشکر کنیم

روزنامه اعتماد در یادداشت دیروز خود نوشت: در جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران به گواهی اغلب صاحب‌نظران داخلی و خارجی، ایرانیان در دفاع از کشور خویش انسجامی خیره‌کننده از خود نشان دادند و نیروهای مسلح هم انصافا درخشیدند. نامش مهم نیست ولی وقتی در یک جنگ نابرابر یک طرف تنهاست و طرف دیگر یکی ابر قدرت جهان است و دیگری پشتیبانی حداقل ۱۰ کشور را به همراه دارد، بسا این حال درخواست آتش‌بس می‌دهد، قضاوت با واقع‌گرایان جهان است که کی شکست خورد و کی پیروز شد؟ در چنین نبرد ظالمانه‌ای رفتار خاص قابل بررسی و آسیب‌شناسی است، آیا آنان همراه با ملت انسجام ملی را حفظ کردند و در تعقیفش کوشیدند؟ سؤال دلسوزان جامعه‌ای است که آیا زیر تهدیدات جدی اسرائیل و امریکا‌زمان مناسبی برای طرح انواع مطالبات، حتی مطالبات حداکثری است؟ آیا وقت ناشناسی عده‌ای که ظاهراً وضعیت موجود را برای رسیدن به مطلوب خود، فرصت تلقی می‌کنند قابل توجیه است؟ آیا بلند کردن علم تغییرات بنیادین هنگام آوج گریز و تمرکز دشمنان، عقلانی، دلسوزانه و میهن‌پرستانه است؟

آیا در این زمانه پرلا به جز تشکر مسئولان و مهر مردم نسبت نیروهای مسلح دیده شده است که هفت نفر یا ۷۰۰ نفر یا ۷هزار نفر بیایینه بدهند و از نیروهای مسلح صمیمانه تشکر کنند؟ ما مدیون فرزندان ملت در نیروهای مسلح هستیم و انواع درودها و تشکرها را متوجه آنان کنیم، فقط وظیفه خود را انجام داده‌ایم،نیروهای خدم و فداکاری که از مدت‌ها پیش از تجاوز اسرائیل در آماده‌یاش کامل هستند و برخی هنوز فرصت نکرده‌اند که سسری به خانواده‌های خود بزنند، فرزندان غیور ما در برابر آخرین تکنولوژی‌های جهان ایستاده‌اند، خلاها و کمبودها را با نثار جان خود جبران می‌کنند، البته سربازان ایران خوب می‌دانند کجای تاریخ ایستاده‌اند و در حال دفاع از کدام گوهر تابناک جغرافیایی جهان هستند. آنها در هر حال قهرمانان ملتند و پیروز میدان ایران دوستی‌اند.

محک ویژه رهبر معظم انقلاب برای عدلیه

روزنامه همشهری در شماره دیروز **همشهری** خود نوشت: دیدار رهبر انقلاب با مسئولان قوه قضائیه در هیاهوی موضوعات جنگ کمتر دیده شد، اما حاوی نکاتی مهم و تأمل‌برانگیز بود،به‌ویژه آنجا که ایشان یک «محک» و «معیار» مشخص برای ارزیابی عملکرد قوه قضائیه ارائه کرده‌اند.
«حصول همه سفارشات یا به‌یافته قضائی که کلمه استو آن اینکه مردم به قوه قضائیه اعتماد کنند، همین.» نویسنده اضافه کرده است: اگر توصیه‌های ایشان در چند سال اخیر را مرور کنیم، دو خطای مدیریتی را مکرراً گوشزد کرده‌اند که ممکن است مانع توجه به این محک کلیدی شود. یکم، گاهی مدیر فقط به کارهای انجام‌شده نگاه می‌کند و به کارهای انجام‌نشده توجه ندارد(۱۴۰۴). دوم، گاهی مه‌مدیر به انریبخشی کارهای انجام‌شده توجه نمی‌کند، یعنی نمی‌سجد که این اقدامات تا چه اندازه به‌دست مردم رسیده‌اند(۱۴۰۲). خلاصه اینکه برای رسیدن به ارزیابی دقیق از کارآمدی، باید به احساس مردم رجوع کرد.
اگر مردم حسن عدالت دارند؟ حتی اگر این احساس دقیقاً منطبق با واقع نباشد، ملاک و معیار، همین احساس است. این معیار، واقعاً معنادار و قابل تعمیم به همه نهادهاست، اما برای عدلیه، اهمیتی مضاعف دارد چرا که مردم، بیش از هر حوزه‌ای، عدالت را با احساس‌شان می‌سنجند، با احساس‌شان از عدالت، نسبت به دیگران رفتار می‌کنند، نظام اسلامی را قضاوت می‌کنند، جامعه‌شان را تحلیل می‌کنند و حتی شادابی یا اضطراب اجتماعی خود را از آن می‌گیرند، بنابراین باید فکری جدی کرد، بخشی از این مسیر، مربوط به اقدامات رسانهای و تبلیغی است، همانطور که رهبر انقلاب در سال ۱۴۰۱ نیز بر آن تأکید کردند، اما بخش مهم‌تر، در راهبری کلان تحول قضائی نهفته است، یعنی نقطه تمرکز و قلق‌گیری همه اصلاحات باید این باشد که حسن عدالت‌خواهی مردم نسبت به عدلیه ترمیم و تقویت شود و اگر چنین حسی نیست، یعنی کار ناتمام.

«کارآمدی» کلید احیای رابطه دولت و ملت

روزنامه ایران در شماره دیروز خود به کارآمدی به عنوان کلید احیای رابطه دولت و مجلس اشاره کرد و نوشت: زمانی رابطه دولت و ملت محکم و مؤثر خواهد بود که دولت حاکم را به‌یافته قضائی که کلمه استو آن اینکه مردم به قوه قضائیه اعتماد کنند، همین.» نویسنده اضافه کرده است: اگر توصیه‌های ایشان در چند سال اخیر را مرور کنیم، دو خطای مدیریتی را مکرراً گوشزد کرده‌اند که ممکن است مانع توجه به این محک کلیدی شود. یکم، گاهی مدیر فقط به کارهای انجام‌شده نگاه می‌کند و به کارهای انجام‌نشده توجه ندارد(۱۴۰۴). دوم، گاهی مه‌مدیر به انریبخشی کارهای انجام‌شده توجه نمی‌کند، یعنی نمی‌سجد که این اقدامات تا چه اندازه به‌دست مردم رسیده‌اند(۱۴۰۲). خلاصه اینکه برای رسیدن به ارزیابی دقیق از کارآمدی، باید به احساس مردم رجوع کرد.
اگر مردم حسن عدالت دارند؟ حتی اگر این احساس دقیقاً منطبق با واقع نباشد، ملاک و معیار، همین احساس است. این معیار، واقعاً معنادار و قابل تعمیم به همه نهادهاست، اما برای عدلیه، اهمیتی مضاعف دارد چرا که مردم، بیش از هر حوزه‌ای، عدالت را با احساس‌شان می‌سنجند، با احساس‌شان از عدالت، نسبت به دیگران رفتار می‌کنند، نظام اسلامی را قضاوت می‌کنند، جامعه‌شان را تحلیل می‌کنند و حتی شادابی یا اضطراب اجتماعی خود را از آن می‌گیرند، بنابراین باید فکری جدی کرد، بخشی از این مسیر، مربوط به اقدامات رسانهای و تبلیغی است، همانطور که رهبر انقلاب در سال ۱۴۰۱ نیز بر آن تأکید کردند، اما بخش مهم‌تر، در راهبری کلان تحول قضائی نهفته است، یعنی نقطه تمرکز و قلق‌گیری همه اصلاحات باید این باشد که حسن عدالت‌خواهی مردم نسبت به عدلیه ترمیم و تقویت شود و اگر چنین حسی نیست، یعنی کار ناتمام.

این هدف، تعامل و هم‌افزایی سه قوه حیاتی است. قوه مجریه، مقننه و قضائیه نباید در تقابل، بلکه باید در تکمیل یکدیگر عمل کنند. قانون اساسی نیز این تقسیم‌کار را به‌درستی تعیین کرده‌اند و مجلس باید با رأی به وزاری شایسته، به دولت کمک کند و در عین حال، دولت نیز باید از نظرات و انتقادات کارشناسی مجلس بهره ببرد. مردم امروز بیش از هر چیز، شایسته‌سالاری می‌خواهند. از رئیس‌جمهوری تا مدیران میانی، باید افرادی عهده‌دار مسئولیت‌ها باشند که متخصص، متعهد و مردم‌دلو باشند، نه وابسته به پانده، بهره‌گرو یا قبیله از برسی دیگر، ربهیزر از دیگری‌های سیاسی و حاشیه‌سازی‌های بی‌ثمر، مطالبه روشن جامعه است. مردم از دوداهای جناحی خسته‌اند، اما به «نقد» معتقدند. دولتی موفق است که انتقاد را بشنود، بپذیرد و اصلاح کند. اگر مردم احساس کنند مسئولان صدای‌شان را می‌شنوند، صادقانه عمل می‌کنند و شایسته‌ترین‌ها را انتخاب می‌کنند و بی‌تردید همراهی خواهند کرد. این رمز موفقیت یک دولت– ملت مقتدر در سطح ملی و بین‌المللی است، بنابراین برای داشتن دولتی موفق، کشوری پیشرو و نظامی سرفراز، راهی جز ارتقای کارآمدی، انتخاب اصلح، شفافیت، دوری از حاشیه‌سازی و هم‌افزایی قوا وجود ندارد.

سپر ایران در برابر تفرقه‌افکنی دشمن

روزنامه جام‌جم در یادداشتی با بیان اینکه هـر جامعه‌ای اشتراکات اختلافاتی دارد اما زمانی که دشمن در صدد ایجاد اختلاف و متشتت کردن جامعه است، نوشت: باید اختلافات را کنار گذاشت و بر اشتراکات تأکید کرد، این هم عاقلانه و هم دربرگیرنده منافع ملی است، لذا نباید از این مسائل غافل شویم، البته آنچه مسلم است، دشمن در جنگ ۱۲ روزه متحمل خسارات فراوانی هم از جهت اعتبار و هم دیگر خسارات شد و به همین دلیل خواهان آتش‌بس شد، البته آتش‌بس به این معنی نیست که دشمن از عداوت با ایران دست کشیده بلکه میدان را تغییر داده است.

وقتی در بر خورد سخت به نتیجه نرسید و به اهداف مدنظرش دست پیدا نکرد، صفحه جدیدی باز شد و آن اینکه همه توانمندی‌های جرای‌های نژادپرست و حایبان غربی در مسیر ایجاد اختلاف در جامعه ایران فعال شد. طبیعتاً در مقابل این نوع همهجه، نباید این گونه تلقی شود که جنگ به پایان رسیده‌وهمگلی نسبت که اختلافات را ملغی و معصف‌های مان را بر سر کیمی، استدلال اینکه چون جنگ تمام شده باید نقاط ضعف را بهانه قرار داد، استدلال غلطی است، چراکه جنگ هنوز پایان نیافته بلکه ابزارها و روش‌های آن تغییر کرده و حتی در برخی موارد مؤثرتر و مخرب‌تر شده است. این نکته‌ای است که باید به آن توجه داشت: دشمن برای نابودی ایران آمده بود اما موفق نشد و این شکست را باید در صحنه‌ای دیگر جبران کند. ما باید هوشمندانه رفتار کنیم و با حفظ هوشمندی خود، دشمن را در این صحنه هم ناکام کنیم.

جوان

۱۲ گزارش یک فاطمه صبری

روزنامه جوان | شماره ۲۲۵۷ | دوشنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۴ | ۲۵ محرم ۱۴۴۷ | سرویس سیاسی ۹۰۶۰۲۲۳۸۵

ایران پدیدآورنده فناوری‌های نامتقارن

امریکا با کپی پهباد ایرانی عملاً به شکست تحریم تسلیحاتی اعتراف کرد



رونمایی از پهباد کپی‌شده شاهد ۱۱۳۶ ایرانی به دست مدعیان قدرت بر تر نظامی در جهان، جلوه‌ای از توانمندی‌های نظامی منحصر به‌فرد همراه با آینده‌نگری و هوشمندی متخصصان ایرانی را نژد همگان روشن ساخت، زیرا از یک سودستبایی ایران به این سلاح پیشرفته وبومی کردن آن زیر شدیدترین تحریم‌های بین‌المللی بیانگر حرکت پلامتازغ نیروهای مسلح ایران در تجهیز و ارتقای به‌روز توانایی نظامی است. از سسوی دیگر، آگاه بودن و پیش‌بینی ایران از تغییرات فزاینده قواعد کلاسیک جنگ و مدرن شدن نیردها، نشان می‌دهد اتاق فکر نظامی ایران تا چه اندازه قابلیت انطباق با پیشرفته‌ترین سلاح‌های انحصاری را دارد. اما پیام کلیدی نهفته در این کپی‌برداری پهبادی، فراتر از انطباق‌پذیری ایران است، این اقدام به‌وضوح ظرفیت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری ایران در ابداع و نوآوری سلاح‌های پیشرفته را مستند می‌کند؛ موضوعی که موجب بهت و حیران امریکا شده است. ایران همچنین نشان داد ظرفیت‌های پنهانی برای در دست گرفتن ابتکار عمل را در هر جنگی علیه خود دارد و می‌تواند با شگفتانده‌های جدید در تولیدات صنایع نظامی، امریکا و غرب را در جنگ‌ها غافلگیر کند.

استفاده ایران از پهبادهای پیشرفته و پلامتازعشی در نفوذ به عمق سرزمین‌های اشغالی و گذر آنها از لایه‌های چنگدانه پدافندی توانست برتری عملیاتی ایران در عرصه هوایی را تضمین کند. پیش از آن، نقش پهبادهای ایرانی به ویژه شاهد ۱۳۶ در یکی از مهم‌ترین جنگ‌های اروپا از زمان جنگ جهانی دوم یعنی جنگ روسیه و اوکراین، توانایی ایران در تغییر معادلات حاکم بر جنگ را روشن ساخت و

سری شاهد ایران در جهان است.

امروز ایران به بخشی از بازار جهانی تسلیحات تبدیل شده است و چندین کشور قبلاً برای خرید دسته‌هایی از پهبادهای ایرانی درخواست داده بودند. ایران همچنین یک کارخانه تولید پهباد در تاجیکستان تأسیس کرد که جایگاه آن را در منطقه تقویت کرده و تهران را قادر می‌سازد نیازهای مشتریان خود را در سطح تسلیحاتی برآورده کند. توسعه صنعت تسلیحات ایران همچنین می‌تواند به این کشور که از نظر اقتصادی با مشکلاتی مواجه است، کمک کند بر بسیاری از موانع تولید و آمادگی لازم برخورد. علاوه بر این، همواره احتمال بروز نقص فنی در انبارهای تسلیحاتی یا بروز سوانح فنی ناخواسته هنگام حمل‌ونقل مهمات یا سامانه‌های تسلیحاتی وجود دارد، به همین دلیل، استفاده از پهبادهای چنین شرایطی مفید واقع می‌شود، زیرا پهبادهای انسان‌ها در زمان کوتاه‌جمع کنند. پهبادهای مزین قابل توجهی کاهش دهند.

از طرفی، جنگ‌های مدرن کنونی نشانگر تأثیر پهبادهای در تغییر معادلات جنگ است. آنچه

مشهود است اینکه پهبادهای پرسازن به هسته

جنگ‌های آینده تبدیل می‌شوند. اکنون به

جرت می‌توان گفت که پهبادهای نقش اصلی را در

عملیات متعارف ضد تروریسم و ضدشورش‌های

مسلحانه برعهده گرفته‌اند. با افزایش پیچیدگی‌ها

در اندازه‌های مختلف به‌منظور ساده‌سازی

و قابل پیش‌بینی ساختن درگیری در جریان

عملیات حساس به کار گرفته می‌شوند. پهبادهای

به سربازان امکان می‌دهند ضمن ایمن ماندن

از خطرات، تصمیمات آگاهانه‌تری اخذ کنند و

کارایی عملیاتی خود را به شکل چشمگیر افزایش

دهند، همچنین این نتیجه‌گیری موجود است که

سامانه‌های ضد پهباد به‌منظور دفاع در برابر آنها

نیز از اهمیت روبه تازیدی برخوردار است.

می‌تواند تا ساعات‌ها بر فراز منطقه مورد نظر گشت‌زنی کند و بعد از یافتن هدف، مانند یک موشک خودش را بر تاپ می‌کند. مأموریت اصلی این پهباد، حمله به اهداف ثابت زمینی است که مختصات آنها معمولاً مشخص می‌شود اما در برابر اهداف متحرک بی‌اثر است. از نظر مشخصات فنی، پهباد شاهد ۱۳۶ کلاهک انفجاری با قدرت انفجاری بسیار بالا دارد. شاهد معمولاً در دسته‌ای از تشکیلات پدافندی دشمن برای رسیدن به هدف خود قرار کند. سامانه‌های رهگیر مجبورند برای مقابله با این پهباد از موشک استفاده کنند که هزینه آنها بسیار گران‌تر از خود پهباد است و اغلب پهبادهای شاهد به شکل گروهی بر تاپ و در رسیدن به هدف خود موفق می‌شوند.

■ **مزیت پهبادهای در جنگ**

استفاده از پهبادهای در جنگ نامتقارن، علاوه بر ارزان‌قیمت بودن، از ویژگی‌های دیگری نیز برخوردار است. پهبادهای سلاح‌های بسیار انعطاف‌پذیر و بی‌هستند و می‌توانند با طیف وسیعی از سامانه‌یوها و اهداف سازگار شوند، مأموریت‌های نظارتی انجام دهند و اطلاعات مربوط به هر حرکت، نیرها، زیرساخت‌ها و اهداف دشمن را در زمان کوتاه جمع کنند. پهبادهای همچنین می‌توانند موشک‌ها یا بمب‌ها را با خود حمل کنند و اهداف راهبردی دشمن را مورد حمله قرار دهند و همچنین قادر به انجام حملات هوایی با سلاح دقیق هستند. از سوی دیگر، این واقعیت وجود دارد که احتمالاً جبهه خودی در تاجیکستان تأسیس کرد که جایگاه آن را در منطقه تقویت کرده و تهران را قادر می‌سازد نیازهای مشتریان خود را در سطح تسلیحاتی برآورده کند. توسعه صنعت تسلیحات ایران همچنین می‌تواند به این کشور که از نظر اقتصادی با مشکلاتی مواجه است، کمک کند بر بسیاری از موانع تولید و آمادگی لازم برخورد. علاوه بر این، همواره احتمال بروز نقص فنی در انبارهای تسلیحاتی یا بروز سوانح فنی ناخواسته هنگام حمل‌ونقل مهمات یا سامانه‌های تسلیحاتی وجود دارد، به همین دلیل، استفاده از پهبادهای چنین شرایطی مفید واقع می‌شود، زیرا پهبادهای انسان‌ها در زمان کوتاه‌جمع می‌شوند. پهبادهای مزین قابل توجهی کاهش دهند.

از طرفی، جنگ‌های مدرن کنونی نشانگر تأثیر پهبادهای در تغییر معادلات جنگ است. آنچه

مشهود است اینکه پهبادهای پرسازن به هسته

جنگ‌های آینده تبدیل می‌شوند. اکنون به

جرت می‌توان گفت که پهبادهای نقش اصلی را در

عملیات متعارف ضد تروریسم و ضدشورش‌های

مسلحانه برعهده گرفته‌اند. با افزایش پیچیدگی‌ها

در اندازه‌های مختلف به‌منظور ساده‌سازی

و قابل پیش‌بینی ساختن درگیری در جریان

عملیات حساس به کار گرفته می‌شوند. پهبادهای

به سربازان امکان می‌دهند ضمن ایمن ماندن

از خطرات، تصمیمات آگاهانه‌تری اخذ کنند و

کارایی عملیاتی خود را به شکل چشمگیر افزایش

دهند، همچنین این نتیجه‌گیری موجود است که

سامانه‌های ضد پهباد به‌منظور دفاع در برابر آنها

نیز از اهمیت روبه تازیدی برخوردار است.

ایران

پشت پرده یک گرافه گویی

در روزهای گذشته، مصاحبه‌ای از نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، بنیامین نتانیاهو در یکی از رسانه‌های آمریکایی منتشر شد که در آن، وی با صراحت اعلام کرد هر گونه توافق با ایران باید شامل محدودسازی برود موشک‌های ایرانی به زیر ۴۸۰ کیلومتر باشد. این عدد، صرفاً یک داده فنی نیست بلکه یک پیام راهبردی و تلاشی تاکتیکی برای عمل سلاح جمهوری اسلامی ایران از مهم‌ترین ابزار بازدارندگی‌اش‌ است.

«صدای ایران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۲۷ در واکنش به این گرافه‌گویی نوشته است: در زمین واقعی، معنای این هدف به‌خوبی روشن است: اگر موشک‌های ایران به کمتر از ۵۰۰ کیلومتر محدود شوند، حتی از مرزهای غربی‌اش نیز نخواهد توانست به اراضی اشغالی شلیک مؤثری انجام دهد. عملاً دست ایران برای پاسخ مستقیم و مؤثر به تجاوز احتمالی رژیم صهیونیستی بسته می‌شود، چه رسد به پاسخ به جنایاتی که بارها از عمق سرزمین‌های اشغالی مدیریت و اجرا شده‌اند. این یعنی محروم‌سازی ایران از توان دفاعی مشروع در برابر یکی از تهدیدات اصلی منطقه‌ای‌اش. اما مسئله، فقط برود موشک‌ها نیست. نتانیاهو در حقیقت دارد تلاش می‌کند تا ایران را به زور وارد رژیم‌های سیاسی و امنیتی‌ای چون MTCR (رژیم کنترل فناوری‌های موشکی) کند؛ تفاهمی به ظاهر داوطلبانه که تنها در خدمت تثبیت انحصار تسلیحاتی قدرت‌های غربی است؛ تفاهمی که اگر چه امضاک‌گانش آن را رعایت نمی‌کنند، اما برای کشورهای مستقل و مقاوم، چون ایران، تبدیل به ابزار فشار سیاسی و رسانه‌ای می‌شود. همانطور که امروز در موضوع هسته‌ای NPT چنین کار کردی دارد. جالب آنجاست که خود رژیم صهیونیستی، عضو این تفاهم‌نامه نیست، اما نخست‌وزیرش از دیگر کشورها می‌خواهد ایران را به پیوستن به این وارد کنند. این پارادوکس دقیقاً همان منطق استعمارگرانه‌ای است که می‌گوید: ما می‌گوییم، شما نباید! اما نکته مهم‌تر آن است که این موضع‌گیری نتانیاهو، نه از موضع اقتدار، بلکه از موضع ترس و وحشت تجربه‌شده است. در جنگ ۱۲ روزه اخیر، با وجود بهره‌مندی رژیم صهیونیستی از یکی از پیچیده‌ترین سامانه‌های پدافندی جهان و همراهی تجهیزات آمریکایی و برخی کشورهای اروپایی، نتوانست از گردن موشک‌های دقیق ایران در امان بماند، حتی با کاهش نرخ شلیک در روزهای پایانی جنگ، نرخ اصابت و دقت حملات بالا رفت چراکه ایران از موشک‌های خاص، دقیق‌تر و متنوع‌تری استفاده کرده بود.

در واقع، آنچه نتانیاهو می‌خواهد، جبران ناکامی نظامی از طریق فشار دیپلماتیک و رسانه‌ای است. وقتی در میدان جنگ نمی‌توانند توان موشکی ایران را مهار کنند، تلاش می‌کنند آن را در میدان سیاست خنثی کنند. اما این همان خطای اصلی است که پیشینیان او بارها مرتکب شده‌اند: نادیده‌گرفتن انگیزه، اراده و توانمندی یک ملت که امنیت خود را محصول وابستگی نمی‌داند. در نهایت، باید تأکید کرد که توان موشکی ایران، نه یک «گزینه چانه‌زنی» بلکه ستون فقرات دکتریز بازدارندگی ملی است و هر طرحی برای محدودسازی آن، ولو با پوشش دیپلماتیک، جز خلع سلاح یک ملت در مقابل تجاوزگری مزمن چیزی نیست. نتانیاهو اگر نگران است، دلشیش ساده است: این بار، ترس را چشیده است.

یادداشت‌نویسندگان

هادی کهن‌دل

ساده‌یستی و پاک‌دستی

در نیروهای مسلح ایران

دفاع مقدس ۱۲ روزه در یک بازه زمانی کوتاه، تأثیری عمیق بر ششون مختلف جامعه ایران بر جای گذاشت و به نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران تبدیل شد. در این میان، هویدا سبک زندگی فرماندهان ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از جمله مسائلی بود که ضمن برانگیختن توجه و تسسین افکار عمومی، به شکل یکی از تلفی متفاوت درباره خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن، نارضایتی وسع مردم را نیز در بی داشت، اما در سال‌هایی که انواع گوناگونی از افکارآزادی در فضای مدیریتی و اجرایی کشور جولان می‌داد، فرماندهان ارشد نظامی و خانوادهدهای‌شان دربراه خانواده و فرزندان شخصیت‌های قدرتمند و عالی‌رتبه یاری رساند. پدیده افکارآزادی و سوءاستفاده خانواده و اقوام مسئولان در موقعیت‌های خاص که به دنبال حضور در مناصب عالی قدرت حاصل می‌شود، از دهه ۷۰ و تشکیل دولت سازندگی به مرور در کشور آغاز و در ادامه به یک چالش مهم در فضای مدیریتی کشور تبدیل شد که ضمن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و فرصت‌سازی برای دشمن،